

Retelling the historical news of Ahmed ibn Hassan Qattan, the unknown teacher
of Sheikh Sadouq in Rey

Farhad Nemati¹(author in charge) | Mehran Esmaili² | Khalil Nemati³ | Seyyed Mahdi Tabataba'i⁴

(DOI): [10.22034/SKH.2023.14611.1353](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.14611.1353)

Original Article

P 41 -62

Abstract

The name of Ahmed ibn Hasan Qattan, one of the unknown teachers of Sheikh Sadouq, appears in some narrations of Sadouq's works. The following research was conducted with the aim of identifying the mentioned person and also explaining why a famous Imamiyya scholar referred to this person from among the Companions of Hadith in order to narrate the narration. The findings show that Sadouq received reports from him that were compatible with the theological historical approach and could be helpful for theological beliefs along with Imamiyya news. His news included narrations related to speech, ethics, some Zikrs and a narration such as "Twelfth Caliph" that Sadouq used to prove the succession of the twelve Imams, especially to prove the Imamate of Hazrat Mahdi. In the path of his narrations, there are many unknown men, and the content is in some places consistent with the advanced sources of Imamiyyah.

Keywords: Sheikh Sadouq, Ahmad ibn Hassan Qattan, Imamiyya, Qom, Rey.

1- PhD in Islamic Studies, Department of History and Islamic Civilization, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. fzm56@yahoo.com

2- Department of History and Civilization of the Muslims, Faculty of Theology and Religious Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran me_esmaeili@sbu.ac.ir

3- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran nmatie.khalil@wtiau.ac.ir

4. Member of the Faculty of Islamic Studies, Islamic Azad University, Mallard Branch, Tehran, Iran tabatabaiym@yahoo.com

Received: 2022/10/25 | Accepted: 2023/02/26



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بازخوانی اخبار تاریخی احمد بن حسن قطان استاد ناشناخته شیخ صدوق (ره) در ری

فرهاد نعمتی (نویسنده مسئول)^۱ | مهران اسماعیلی^۲ | خلیل نعمتی^۳ | سیدمهدی طباطبایی^۴

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2023.14611.1353](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.14611.1353)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۶۲/۴۱

چکیده

نام احمد بن حسن قطان از اساتید ناشناخته شیخ صدوق (ره) در برخی از روایت‌های آثار صدوق به چشم می‌خورد. پژوهش پیش رو با هدف شناسایی راوی یاد شده و نیز تبیین چرایی مراجعه عالم نامی امامیه به این فرد از اصحاب حدیث برای نقل روایت شکل گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد صدوق از وی گزارش‌هایی دریافت کرده است که با رویکرد تاریخی کلامی سازگار بوده و در کنار اخبار امامیه می‌توانست یاریگر باورهای کلامی صدوق باشد. اخبار منقول از وی شامل روایات مرتبط با کلام، اخلاق، برخی ذکرها و روایتی چون «اثنی عشر خلیفه» بود که صدوق از آن برای اثبات جانشینی دوازده امام (ع) به‌ویژه اثبات امامت حضرت حجت (عج) بهره گرفت. در سلسله راویان وی رجال ناشناخته زیادی وجود دارد و در محتوا نیز در مواردی با منابع متقدم امامیه همخوانی دارد.

واژگان کلیدی: شیخ صدوق (ره)، احمد بن حسن قطان، امامیه، قم، ری.

۱ - دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایران . fzm56@yahoo.com

۲ - استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. me_esmacili@sbu.ac.ir

۳ - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. nmatie.khalil@wtiau.ac.ir

۴ - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملارد، تهران، ایران. tabatabaiym@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷



مقدمه

محمد بن علی بن بابویه (د. ۳۸۱ ق) مشهور به شیخ صدوق از محدث متکلمان تأثیرگذار در روند توسعه و نهادینه شدن معارف شیعی است که آثار وی نقش مهمی در بازنمایی آثار پیشین و نیز شکل‌گیری آثار پسین داشته، از این رو پژوهش و ژرفانگری در این آثار می‌تواند در تبیین چگونگی تثبیت و توسعه معارف شیعی اثرگذار باشد. با مرور اجمالی آثار برجای مانده از وی در سلسله سند برخی از اخبار نام‌هایی به چشم می‌خورد که اطلاعات و داده‌های چندانی در منابع رجالی و تراجم شیعه و اهل سنت درباره آن‌ها ارایه نشده است و تنها راه شناسایی افکار و اندیشه‌های این افراد بررسی روایت‌های برجای مانده و گونه شناسی این آثار است. از اشخاص یاد شده فردی به نام احمد بن حسن قطان است که متأسفانه اطلاعات چندانی در منابع درباره وی وجود ندارد. با توجه به قرآنی که در ادامه نوشتار ارایه خواهد شد این فرد از اصحاب حدیث بشمار می‌رود و نقل روایت عالم برجسته شیعی، چون صدوق از وی، مسئله‌ای درخور توجه است.

درباره برخی از استادان صدوق پژوهش‌هایی انجام گرفته است که نمونه‌ای از آن با عنوان «محمد بن احمد شیبانی محدثی از مکتب ری در نسل مشایخ شیخ صدوق» به معرفی و بررسی اخبار صدوق از این راوی پرداخته است. همچنین «بررسی و مقایسه میزان تأثیرگذاری ابن بابویه و ابن ولید بر شیخ صدوق» که تأثیر آنان در حیات علمی و اخلاقی صدوق را مورد پژوهش قرار داده است از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه است ولی در مورد راوی مورد نظر پژوهش خاصی انجام نگرفته است.

۱. شناخت نامه احمد بن حسن قطان

اطلاعات زیادی درباره نام، ولادت، وفات و مذهب این شخص در منابع متقدم امامیه به ویژه رجال و نیز منابع اهل سنت یافت نشد. درباره مذهب وی نیز بین رجالیان امامی اختلاف وجود دارد و تنها مدارک آنان سخنان صدوق در مورد وی است. برخی توصیف «المعروف بابی علی عبدربه شیخ کبیر لأصحاب الحديث» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۶۷) و پسوند «العدل» (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۵۶۶) و برخی شواهد دیگر را نشان از تعلق این شخص به اهل سنت دانسته و او را غیر امامی برشمرده‌اند (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۳۳-۴۳۱). در این راستا برخی واژه «العدل» را تنها، لقب وی دانسته و توهم استفاده از واژه‌های ترحم که دلالت بر حسن این راوی دارد را رد کرده‌اند (خویی، ج ۲: ۸۶). استفاده از این واژه‌ها برای این راوی از سوی صدوق در مقایسه با اساتید دیگر نظیر ابن ولید و دیگران بسیار کمتر است. برخی دیگر نیز تلاش کرده‌اند وی را از اصحاب امامیه به حساب آورند (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۶: ۱۴-۸؛ نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۸۸-۲۸۷).

با توجه به عدم پرداختن منابع کهن به وی، درباره جایگاه علمی احمد بن حسن قطان نیز نمی‌توان به نتیجه متقنی دست یافت. بر همین اساس وثاقت و یا ضعف این راوی نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. صدوق از وی با عبارت «شیخ کبیر لاصحاب الحدیث» یاد کرده است که می‌تواند اشاره‌ای به جایگاه رفیع علمی او در بین اهل سنت باشد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۶۷). ذکر نام این محدث در اسناد تعداد زیادی از اخبار آثار صدوق نزدیک به، ۱۷۰ مورد، بیانگر فعالیت وی در عرصه حدیث است. بیشتر روایت‌های یاد شده در منابع غیر فقهی صدوق مانند علل الشرایع و خصال نقل شده‌اند. در من لایحضره الفقیه تنها یک روایت در مورد رد الشمس بیان شده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۰۳ و ج ۴: ۴۳۸). همان‌گونه که اشاره شد نشانی از این محدث در منابع رجالی و تراجم نگاری فریقین نیست و تنها منبعی که اخبار وی در آن ذکر شده‌اند، آثار صدوق‌اند از همین رو یافتن نام استادان روایت وی تنها از همین مسیر ممکن خواهد بود. وی ۵۰ روایت از احمد بن محمد بن یحیی بن زکریا نقل کرده است (نک: صدوق، ۱۴۰۰، ق، ۳۹ و ۳۴۱ و ۵۶۶ و ۱۳۶۲، ش، ج ۲: ۴۷۸). احمد یاد شده در برخی از منابع رجالی ناشناخته معرفی شده است (مامقانی، ۱۴۳۱، ق، ج ۸: ۲۳۷-۲۳۵). باین‌حال روایت گروهی از اساتید صدوق در ری از این راوی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰، ق، ج ۱: ۵۹)، نشان از جایگاه علمی وی در این شهر دارد. ۴۵ روایت دیگر وی از فردی به نام حسن بن علی سُگری است که نشانی از وی نیز در منابع یافت نشد. باین‌حال چهل روایت نقل شده از سوی وی از محمد بن زکریا غلابی (د. ۲۹۸ ق) مورخ برجسته شیعی در بصره بود. غلابی برخی از این گزارش‌ها (۲۳ مورد) را به روایت از جعفر بن محمد بن عماره از پدرش از امام صادق (ع) یا جابر از امام باقر (ع) نقل کرده است (به‌عنوان نمونه نک: صدوق، ۱۴۰۰، ق، ۱۳۴؛ ۱۳۸۵، ش، ج ۱: ۵۹ و ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ۱۳۹۵، ق، ج ۱، ص ۱۵۳). ۱۴ روایت ابن قطان نیز از طریق احمد بن محمد بن سعید همدانی (د. ۳۳۲، ۳۳۳ ق) معروف به ابن عقده زیدی است (برای نمونه نک: صدوق، ۱۳۸۵، ش، ج ۱: ۱۵۵، ۱۳۷۸، ش، ج ۱: ۲۹۴ و ۲۹۵ و ج ۲: ۸۶). از دیگر استادان وی می‌توان به افرادی مانند عبدالرحمن بن محمد حسنی یا حسینی (۱۴ مورد)، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی (د. ۳۲۷ ق) (۷ مورد) و عباس بن فضل بن شاذان رازی مُقَرّی (د. ۳۱۱ ق) اشاره کرد.

نکته قابل توجه این است که از ارتباط این راوی با دیگر محدثان امامیه در ری خبری در دست نیست، درحالی‌که دیگر اساتید صدوق از ری با راویانی نظیر محمد بن ابی‌عبدالله اسدی کوفی^۱

۱. وی محمد بن جعفر اسدی کوفی وکیل ری است (خوبی، ج ۱۴: ۲۷۳-۲۷۱).

ارتباط و از او روایات متعددی نقل می‌کنند (به‌عنوان نمونه: صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۴۳). رضایت و غضب الهی، (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۲۷۸) ثواب و فضیلت عدم شرک (توحید)، (صدوق، ۱۳۹۸ ق، ۳۰) خلقت آدم، (همان: ۱۵۲) نفی مکان از خدا، (همان: ۱۷۰) حدیثی از اصبع بن نباته به روایت از امیرالمؤمنین (ع) در مورد اراده و مشیت الهی (همان: ۳۳۷)؛ اخباری در قضا و قدر (همان: ۳۷۱-۳۷۲ و ۳۸۲)؛ تکلیف بندگان، جبر، تفویض، ثواب، عقاب، عفو و رحمت الهی در کلام امام صادق (با تمسک به آیات)، (همان: ۴۰۶-۴۰۷) معنای عرش و کرسی در کلام امام صادق (ع) (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۲۹) و معنای لوح و قلم (همان: ۳۰) موضوعاتی کلامی هستند که در روایت‌های وی بازتاب یافته‌اند.

هفتادوسه مورد از تفاوت آداب و احکام زنان با مردان به نقل از امام باقر (ع) (صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۲: ۵۸۵)؛ برخی از مسائل فقهی مانند احکام وضو، غسل‌های واجب، نمازهای واجب، واجبات نماز، مسایلی در مورد زکات، معصوم بودن حجت الهی به نقل از امام صادق (ع)، (همان: ج ۲: ۶۰۳) فضایل برخی از ماه‌ها (صدوق، ۱۳۹۶ ق: ۵۱)، دعای ادای دین در کلام امام صادق (ع)، (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۱۷۵) معنای ذکر نمازگزار در تشهد، (همان: ۱۷۵) گناहانی که باعث تغییر نعمت‌ها و نزول بلا می‌شوند، در روایتی از امام سجاد (ع)، (همان: ۲۷۰) نیز موضوع برخی از روایت‌هایی است که صدوق از طریق وی نقل کرده است.

موضوع تعدادی از اخباری که صدوق از طریق ابن قطان نقل کرده پیامبران بودند. در یکی از این خبرها امام صادق (ع) ضمن بیان ابتلائات ایوب (ع) به معصوم و پاک بودن پیامبران و پرهیز از گناهان کوچک و بزرگ اشاره کرده‌اند (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۲: ۳۹۹). خبری در مورد وفات موسی (ع) و قبض روح وی توسط ملک‌الموت نیز از ابن قطان نقل شده است (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۲۳۳-۲۳۲). همین خبر در کمال‌الدین آمده و تفصیل بیشتری یافته است. متن روایت به‌گونه‌ای است که گویا راویان خبر درصدد بازسازی رویدادهای پس از رحلت پیامبر در قالب حوادث دوران وفات موسی پیامبر و جانشینی یوشع (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۱۵۳) بوده‌اند.

ذکر خبری طولانی از ملوک هند و قصه بلوهر و بوداسف، داستان زندگی و وارستگی بودا، بنیان‌گذار آیین بودایی از دیگر خبرهایی است که ابن قطان در سند آن‌ها حضور دارد و با یک واسطه به محمد بن زکریا مورخ بصری می‌رسد که با عبارت «بلغنی» شروع می‌شود (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۵۷۷-۶۳۸). در این نقل که به‌احتمال زیاد برگرفته شده از روایت مانویان است، برخلاف نقل منابع اصلی بودایی، مرشدی به نام «بلوهر» به داستان اضافه شده که نقش راهنمایی و هدایت بودا را

در رسیدن به رستگاری بر عهده می‌گیرد (صفری، ۱۳۸۶ش: ۱۹۴).

۲. بازخوانی و گونه‌شناسی اخبار تاریخی

۲-۱. تاریخ رسول خدا(ص)

در یکی از روایت‌هایی که صدوق به نقل از ابن قطان نقل کرده، پاک بودن صلب پدران و رحم مادران پیامبر تا حضرت آدم مورد تاکید قرار گرفته است. در این خبر بر ذکر اسم آن حضرت در انجیل و تورات؛ و بر اشتقاق نام ایشان از اسماء الهی اشاره شده است (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۵).

این باور برای نخستین بار در کتاب سلیم و به‌صورت تفصیلی در روایتی بازتاب یافته است (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۴۰). صدوق چند روایت همگرا با این متن را نیز با یک سند امامی از ری، (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۶۲۴) و خبری دیگر با اسناد غیر امامی از منطقه نیشابور که دربردارنده خلقت نوری بود، نقل کرده است (صدوق، ۱۳۸۵ش: ج ۱: ۱۳۴). در روایتی دیگر به خلقت نوری مشترک پیامبر(ص) و علی(ع) و جدا شدن آنان در ابوطالب و عبدالله اشاره رفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۴۱). این مفهوم در برخی از زیارت‌نامه‌ها (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۱۴-۱۱۳) تکرار شده است.

شیخ صدوق در روایتی به نسبت طولانی از طریق ابن قطان از ابن عباس به نقل از پدرش عباس بن عبدالمطلب داستان تولد پیامبر را نقل کرده است. عباس در این روایت مدعی است در هنگام تولد عبدالله فرزند عبدالمطلب در چهره‌اش نوری مانند نور خورشید می‌درخشید. در این گزارش تعبیر خواب عباس در مورد عبدالله(خروج پرنده از بینی عبدالله و پرواز به مشرق و مغرب و برگشت بر روی کعبه و سجده قریش برای آن و سپس تبدیل آن به نوری بین آسمان و زمین و امتداد آن تا مشرق و مغرب) توسط کاهنه بنی مخزوم این بود که او فرزندی خواهد داشت که مردم مشرق زمین و مغرب پیرو او خواهند شد. عباس که پیگیر وضع عبدالله بود متوجه شد آن نور بعد از مرگ وی در میان دو دیده رسول خدا(ص) می‌درخشید. وی در ادامه از قول آمنه شنیده شدن صدایی آسمانی به هنگام سختی ولادت رسول خدا(ص)، دیدن پرچمی از سندس بر دسته‌ای از یاقوت و تابیدن نوری از آن بر آسمان و نیز کاخ‌های شامات را خبر داده است. ادامه خبر مربوط به شکافتن سینه فرزند آمنه است. به ماجرای اسطوره‌ای شق الصدر (شکافتن سینه پیامبر و شستن قلب وی از سوی فرشتگان) در برخی از منابع تاریخی اهل سنت(ابن هشام، بی‌تا: ج ۱: ۱۶۴؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۶۰-۱۵۹) اشاره شده است. بر اساس این خبر عباس مدعی شده این موضوع را فراموش کرده بود تا رسول خدا(ص) در روزی که ایمان آورد، این موضوع را به او یادآور شد (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۲۶۵-۲۶۳).

بخشی از مطالب این خبر مثل مهر نبوت میان دو کتف(ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۲) و تابش نور و

دیدن قصرهای شامات به نوعی در برخی منابع تاریخی نیز آمده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۸۲-۸۱). علاوه بر ضعف سند و ابهامات درونی این خبر، باید توجه داشت که عباس بر اساس منابع تاریخی دو یا سه سال از پیامبر (ص) بزرگتر است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۸۱۰)؛ پس چطور تولد عبدالله را دیده و کار او را پیگیری می کرده است؟ ضمن اینکه چرا آمنه چنین خبر مهم و ماورایی را برای یک کودک خردسال، چون عباس، نقل کند. موضوع دیگری که در نقل های صدوق از ابن قطان وجود دارد سفرهای تجاری پیامبر در دوره پیش از بعثت است. صدوق ۵ روایت در این مورد نقل کرده است که ۴ خبر از روایانی از جمله ابن قطان که در ری بوده اند، نقل شده است. در خبری از ابن قطان، ابن عباس به روایت پدرش از ابوطالب نقل کرده که وی برای تجارت به شام تصمیم گرفت برادرزاده اش را درحالی که هشت ساله بود با خود همراه کند. بر اساس این خبر بحیرا نشانه های پیامبری را در حضرت محمد (ع) یافت و از آینده وی خبر داد (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۲). بخش هایی از خبر مانند سایه افکندن ابر بر سر پیامبر (ص)، پذیرایی بحیرا از کاروانیان، صحبت با پیامبر و خبر دادن از ادامه کار ایشان، در منابع تاریخی متقدم آمده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۱۸۲-۱۸۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۲۷۹-۲۷۷). اگرچه در برخی منابع کهن از سجده درختان و سنگ برای آن حضرت یاد شده است (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۲۷۹-۲۷۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۴۰۷) اما برخی اخبار ماورایی دیگر که در این روایت طولانی ذکر شده مانند باریدن انواع میوه ها از ابر و... در منابع تاریخی نیامده است.

در خبری دیگر که بخش اول سند آن با اسناد خبر قبل مشترک است از گریه بحیرا هنگام خداحافظی با رسول خدا خبر داده شده است. در ادامه خبر به یکی از مسایل کلامی دوره های بعدی راجع به ایمان ابوطالب اشاره رفته و بحیرا از ایمان قلبی و عدم آشکارسازی آن از سوی ابوطالب خبر داده است. وی در ادامه با رویکردی فضایل محور به ابوطالب یادآور می شود که فرزندی از وی به دنیا آید که به او (پیامبر) ایمان آورد و او را یاری کند؛ نام وی در آسمان «بطل هاصر» و در زمین «الشجاع الانزع» است. از او دو فرزند شهید به دنیا آید و او سید عرب و رئیس آن است و او در کتاب ها از اصحاب عیسی (ع) شناخته شده تر است (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۱۸۷).

بر اساس خبری دیگر در سفر به شام، خالد بن اسید و طلیق بن سفیان حکایت کرده اند که به چشم خود دیده اند که هنگام سیر و سواری پیامبر، وحوش و پرندگان چه می کردند. در این گزارش مفصل یکی از راهبان بعد از دیدن محمد (ص) در بازار بصره خاطرنشان می کند که اگر زمان او را

درک کند حق شمشیر را ادا خواهد کرد، سپس به همراهان آن حضرت گفت: زندگی و مرگ با او است، کسی که به او پیوندد حیاتی طولانی یابد و هر که از او روی برگرداند چنان خواهد مرد که پس از آن حیاتی نیابد، او همان است که ذبح اعظم با او است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۱۹۰-۱۸۹).

خبر دیگری از ابن قطان به سفر تجاری حضرت محمد(ص) با کاروان تجاری خدیجه پرداخته است. در این گزارش عبدمنات بن کنانه و نوفل بن معاویه نیز با ایشان همراه بودند. در ادامه خبر از دیدار راهبی به نام ابومویهب با حضرت محمد(ع) و پیش‌بینی پیامبری ایشان و نیز پیش‌بینی‌های وی درباره علی(ع) فرزند ابوطالب سخن رفته است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۱۹۱-۱۹۰). به نظر می‌رسد این خبر تنها در این کتاب صدوق آمده است و نیز مربوط به همراهی حضرت با کاروان تجاری خدیجه قبل از ازدواج با وی باشد که در برخی منابع آمده است. اگر از مباحث سندی گذر شود در محتوای خبر اشاره‌ای به سن آن حضرت نشده است درحالی‌که در گزارش این سفر در منابع دیگر، سن ایشان ذکر شده است. ضمن اینکه بر اساس گزارش‌های منابع دیگر، به میسر غلام خدیجه که همراه وی بوده، اشاره نشده است و نیز راهب در این خبر نسطور بوده است نه ابومویهب و صحبت وی نیز با میسر بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳).

موضوعاتی مانند فرزند دو ذبیح بودن پیامبر (صدوق، ۱۳۶۲ش: ج ۱: ۵۵) روایت از علی(ع) در مورد هلاکت مسخره کنندگان پیامبر(ص) و عاقبت پنج نفر از آنان (ولید بن مغیره، عاص بن وائل، اسود بن عبدیغوث، حارث بن الطلائه، اسود بن مطلب)؛ (همان، ج ۱: ۲۸۰-۲۷۹) تبیین آیه «ألم یجدک یتیمًا فآوی و وجدک ضالًّا فهدی» از ابن عباس، (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۱۳۰) نیز در روایت‌های صدوق از ابن قطان به چشم می‌خورد.

۲-۳. اخبار دوازده خلیفه

یکی از مسایلی که صدوق با استناد به منابع فریقین در پی اثبات آن بوده تعداد امامان مذهب امامیه است. احادیث مربوط به دوازده خلیفه با تعابیری مانند «اثنی عشر خلیفه» یا «اثنی عشر امیرا» در منابع فریقین (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱: ۷۰؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۱۴۵۳-۱۴۵۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۴۲-۲۴۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳۴: ۴۰۱ و ۴۰۹ و ۴۲۱ و ۴۳۹) آمده است. صدوق در آثار خود نظیر جلد دوم کتاب خصال، در بابی ۴۵ حدیث (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۴۸۰-۴۶۶) در این زمینه نقل کرده است. صدوق در پاسخ به شبهه بدعت دانستن تعیین تعداد امامان از سوی زیدیه، مدعی شد که مخالفان، حدیث عبدالله بن مسعود و جابر بن سمره را به صورت مستفیض

نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۶۷-۶۸).^۱

این روایت از افرادی نظیر عبدالله بن مسعود و جابر بن سمره، انس بن مالک، عبدالله بن عمرو و ابی جحیفه نقل شده است. وجه اشتراک این روایات «یکون بعدی اثنا عشر خلیفه» یا «امیرا و کلهم من قریش» هستند. در سند شش حدیث، عبدالله بن مسعود قرار دارد که چهار مورد آن از احمد بن حسن قطان است. محتوای حدیث در مجموع چنین است که افرادی در مسجد دور عبدالله بن مسعود بودند فردی وارد و از او سوال کرد که آیا پیامبر شما برایتان نگفت که چند خلیفه بعد از او خواهند بود؛ ابن مسعود ضمن اشاره به اینکه قبل از وی کسی چنین سوالی از او نپرسیده بود جواب می دهد که پیامبر (ص) فرمود: دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۴۶۹-۴۷۰). احمد بن حسن قطان (حدیث شماره ۲۵-۱۲) چهارده مورد از نوزده حدیث را جابر بن سمره نقل کرده است. بر اساس این روایت جابر بن سمره و پدرش نزد پیامبر (ص) بوده که آن حضرت خبر می دهد که بعد از وی دوازده امیر و در برخی نقل ها دوازده خلیفه خواهد بود (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۴۷۲-۴۶۹). صدوق از ابن قطان روایات دیگری نیز نقل کرده که با روایات قبلی متفاوت است. وی در خبری که سند آن به سرح برمکی می رسد نقل کرده که در این امت دوازده نفرند که جدشان پیامبرشان است (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۴۷۴-۴۷۳) خبری دیگر از ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت شده است مبنی بر این که اوصیای بعد از رسول خدا دوازده نفر هستند که اولین آنان علی (ع) و آخرینشان قائم است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۶۴).

شیخ صدوق از ابن قطان روایتی با محتوایی کاملاً همگرا با باورهای شیعی در مورد امامت، نقل کرده است. در این روایت به نقل از عبدالله بن ابی هذیل علامت ها و ویژگی های امام و دلایلی از جمله آیه ولایت، حدیث منزلت و غدیر، امامت علی (ع) ثابت دانسته شده و بیان شده که پیروی از وی با توجه به آیه ۵۹ سوره نساء (اولی الامر منکم) واجب است. در ادامه روایت نام تمامی امامان دوازده گانه بیان شده است. در ادامه خبر یاد شده خالی نبودن زمین از ایشان، لزوم شناسایی ایشان و از خاندان پیامبر بودن ایشان و نیز هدایتگری و حجت بودن آن ها مورد تأکید قرار گرفته است (صدوق ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۴۷۸-۴۷۹). صدوق در پایان روایت از تمیم بن بهلول نقل کرده که ابومعاویه از اعمش به روایت از امام صادق (ع) همانند این حدیث را شنیده است.

برخی از راویان در سند این روایت در منابع متقدم رجالی ذکر نشده‌اند. محتوای روایت مثل آیه

۱. گفتنی است در مورد این احادیث در دوره معاصر پژوهش هایی شده است (زینلی، غلامحسین، دوازده جانشین، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲).

ولایت، حدیث منزلت و غدیر در منابع به صورت پراکنده وجود دارد. عبدالله بن هذیل هم دوره امام علی است و ذکر نام دوازده امام از سوی او غریب می نماید. نکته بعدی این که در این خبر عبارت «ثم ابن الحسن (ع) الی یومنا هذا» است که با حضور وی در دوره امام علی (ع) سازگاری ندارد. به نظر می رسد بخش هایی از این خبر دست کاری شده است.

نقل حدیث تقلین از ابن قطان در منابع صدوق آمده که در آن پیامبر در پاسخ به پرسش جابر بن عبدالله انصاری از عترت، علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع) و امامان از نسل حسین (ع) تا روز قیامت را عترت خویش معرفی کرده است (صدوق، ۱۴۰۳: ق: ۹۱).

۲-۴. اخبار شایستگی امام علی (ع) بر خلافت

ابن قطان در خبری که راویان آن غیر امامی هستند به نقل از امام صادق (ع) از پدرش و او از پدرش امام سجاد (ع) در روایتی از رویارویی امام علی (ع) با ابوبکر و احتجاج با وی بر سر خلافت و برشمردن برتری های خویش بر او و مهلت گرفتن و تصمیم ابوبکر برای کناره گیری و پشیمان شدن او از این تصمیم به تحریک عمر خبر داده است (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲: ۵۵۳-۵۴۸). در خبری دیگر شکوه و نارضایتی فاطمه (س) از مردم و انحراف خلافت از خاندان نبوت را بیان کرد (صدوق، ۱۴۰۳: ق: ۳۵۵-۳۵۴). این خبر از طریق محمد بن زکریای غلابی در اختیار احمد بن عبدالعزیز جوهری در کتاب السقیفه و الفدک قرار داشت (جوهری، بی تا: ۱۱۸-۱۱۷).

بر اساس خبری دیگر از ابن قطان که با اسنادی غیر امامی از امام صادق به روایت پدرش نقل شده دو نفر یهودی بعد از رحلت رسول خدا (ص) با توجه به صفاتی که در اختیار داشتند در پی یافتن جانشین بودند و بعد از دیدن ابوبکر و عمر و انکار آنان، صفات مدنظرشان را در علی بن ابی طالب (ع) یافتند (صدوق، ۱۳۹۸: ق: ۱۸۰).

در خبری دیگر به نقل ابن قطان از محمد بن زکریای غلابی از شکوه و نارضایتی حضرت فاطمه (س) نزد زنان عیادت کننده و توصیف مردان ایشان به ضعف و سست رأی و تبیین انحراف خلافت از خاندان نبوت، خبر داده شده است (صدوق، ۱۴۰۳: ق: ۳۵۵-۳۵۴).

۲-۴. گزارش های فضایل نگارانه

۲-۴-۱. فاطمه (س)

ابن قطان هنگام پرداختن به زندگی فاطمه (س)، با واسطه سراغ اخبار محمد بن زکریا غلابی بصری مورخ شیعی رفت و شاید یکی از دلایل توجه شیخ صدوق به اخبار وی همین باشد. در یک خبر فضیلت نگارانه مربوط به دوره بارداری خدیجه (س) که در سلسله سند آن نام امام باقر (ع) به

چشم می خورد و از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده از آورده شدن سببی از بهشت به دست جبرئیل و تأثیر آن در خلقت حضرت زهرا (س) خبر داده شده است (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۸۳). پیامبر به مصرف خرمایی بهشتی و تأثیر آن در خلقت حضرت فاطمه (س) اشاره دارد و ابراز علاقه خویش به فاطمه را به جهت رانحه بهشتی ایشان بیان می کند (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۸۴-۱۸۳). این حدیث در تفسیر فرات کوفی با تفاوت جزئی در محتوا با سندی غیر از این به نقل حذیفه بن یمان آمده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۷۶-۷۵). همچنین قسمت مربوط به خوردن رطب و تولد فاطمه و حوراء انسیه در خبری امامی از ابراهیم بن هاشم به نقل از اباصلت هروی از امام رضا (ع) در ذیل روایتی نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۱۱۸-۱۱۷).

در خبری دیگر از ابن قطان، ایمن بودن دوست داران فاطمه از آتش جهنم (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۷۸) به عنوان تبیین معنای نام فاطمه آمده است. بر اساس خبری فضیلت نگارانه به نقل از امام صادق (ع) فاطمه از آن جهت محدثه خوانده شده که فرشتگان همچو مریم بر آن حضرت نازل و با وی سخن می گفتند. طبق این خبر مریم بانوی زنان زمانه خود و آن حضرت، بانوی زنان جهان از اولین و آخرین دانسته شد (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۸۲).

در خبری از ابن عقده به روایت ابن عباس، پیامبر (ص) آن حضرت را بخشی از وجود خود دانست که ناراحتی اش ناراحتی پیامبر و خوشحالی اش شادی پیامبر را در پی دارد. در ادامه روایت به خشم خداوند بر اثر خشم فاطمه و شادی بر اثر خوشحالی وی اشاره شده است (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۳۰۳). قسمت اول این حدیث در مسند احمد نقل شده است (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۲۵۸).

۲-۵-۲. فضایل علی بن ابی طالب (ع)

بخشی از اخبار منقول از ابن قطان در آثار صدوق به فضایل امام علی اختصاص دارند. در روایتی که برخی از راویان آن ناشناخته هستند و متن آن به نقل از لوح و قلم بیان شده، ولایت امام علی (ع) حریم امنیت الهی است که داخل شوند در آن از آتش در امان است (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۲۳۵). صدوق این حدیث را ذیل عنوان «خبر نادر عن الرضا (ع)» نقل کرده است (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۳۶). خبری از ابن عمر به نقل از رسول خدا (ص) از جبرئیل در این راستا است (حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۱۷۰).

در خبری دیگر از سببی سخن به میان آمده که جبرئیل به پیامبر داده و از میان آن نوری فراگیر ساطع شده که در آن تحیت الهی برای پنج تن اهل بیت (ع) و امان بودن از آتش برای پیروان ایشان نگاشته شده بود (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۵۹۶). در نقل هایی که ابن قطان با واسطه از ابن عباس دارد، اشتراک روح و طینت پیامبر و امام علی، رستگاری شیعیان علی در روز قیامت، (صدوق، ۱۴۰۰ ق:

۱۶-۱۵) برابری سبب علی با سبب و دشنام به پیامبر (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۹۸-۹۷) و برشماری ویژگی‌هایی چون صاحب کوثر، وارث علم پیامبر، امین‌الله بودن در زمین، حجت بودن امام علی (ع) بر مردمان مورد تأکید قرار گرفته است (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۳۰۶).

در خبری دیگر از ابن قطان ادعای دیدار منصور عباسی (حک: ۱۵۸-۱۳۶) با اعمش و گفتگوی آن دو درباره فضیلت‌های امام علی (ع) و نقل فضیلتی از علی از سوی منصور مطرح شده است. بر اساس این خبر منصور در روایتی طولانی همچون شیعه‌ای شیفته به برشماری فضیلت‌های آن حضرت و دو فرزند ایشان پرداخته است و در انتهای روایت نیز مخاطب را به نقل فضایی که نقل کرده تشویق می‌کند (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۴۴۱-۴۳۵). این خبر در شرح الاخبار نقل شده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ج ۲: ۳۸۰-۳۷۲). در خبری دیگر از ابن قطان در ضمن گفتگوی بین معاویه و عمرو عاص برخی از فضایل امام علی (ع) در بیان این دو تبیین شده است (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۷۳-۷۴). بخش انتهایی خبر یاد شده با بخش انتهایی خبر منصور و اعمش تشابه دارد و نوعی ساختار مشترک در این خبرها دیده می‌شود که جای تأمل و درنگ دارد.

در روایتی که ابن قطان در سلسله سند آن قرار دارد، پیامبر امام علی را سید العرب و واژه سید را به مفهوم کسی که اطاعت از وی واجب است تفسیر کرده است (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۴۰-۳۹). صدوق خبری دیگر از وی در مورد جایگاه علمی علی (ع) نقل کرده که بر اساس آن امام عبارت مشهور «سلونی قبل ان تفقدونی» را گفته و مدعی شده‌اند که اگر آیه‌ای از کتاب خدا نبود هر آینه همگان را از تمامی گذشته و آینده باخبر می‌کردند (صدوق، ۱۳۹۸: ق: ۳۰۸-۳۰۴).

در خبری دیگر با موضوع تعیین جانشین پیامبر، ادعا شده که با پیشگویی پیامبر ستاره‌ای در منزل امام علی (ع) فرود آمد. در ادامه خبر نزول سوره نجم با این رویداد مرتبط دانسته شده است (صدوق، ۱۴۰۰: ق: ۵۸۵-۵۸۴). شبیه این خبر در برخی از منابع نه چندان مورد توجه نیز نقل شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ق: ۴۴۹-۴۵۲). علاوه بر اشکالات سندی که این احادیث دارند، به لحاظ محتوایی نیز سقوط ستاره در خانه یک شخص برخلاف داده‌ها و نظریه‌های علم کیهان‌شناسی و از نظر عقلی غیرممکن است. زمان وقوع این حادثه نیز در این اخبار متفاوت آمده است. رویدادی با این عظمت باید مورد توجه منابع مهم تاریخ قرار می‌گرفت، نه اینکه با اسناد ضعیف در آثاری مانند تفسیر فرات نقل می‌شود. علاوه بر این وقوع چنین رویدادی در مدینه و حتی اواخر بعثت پیامبر (ص)، می‌توانست حوادث بعدی جانشینی را تحت الشعاع خود قرار دهد و باید در احتجاجات به آن اشاره می‌شد. با وجود چنین اعجازی چطور سقیفه به آن زودی تشکیل و مسیر خلافت عوض شد و کسی

در مخالفت با آن به این رویداد اشاره‌ای نکرد (به‌صورت مفصل بنگرید به: شریفی، محمدی و دهقانی، ۱۳۹۵ش: شماره ۲).

در خبری دیگر که صدوق از ابن قطان نقل کرده به گفتگوی خورشید با امام علی و تأیید جانشینی آن حضرت از سوی آن اشاره رفته و در ادامه از گریه فرشتگان بعد از گریه امام علی و مباحثات خداوند به داشتن علی در برابر حاملان عرش خبر داده شده است (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۵۸۹). در کتاب سلیم نیز گفتگوی آن حضرت با خورشید با محتوای متفاوت نقل شده است (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۳۳)؛ و در قرن‌های بعدی در آثار مناقب نویسان با اسناد و تفاوت‌هایی در محتوا نقل شده است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۴۵-۵۴۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۳۲۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ۱۶۵).

شیخ صدوق به قضیه «رد الشمس» باور داشت و برای اثبات آن خبری به نقل از ابن قطان را با اسنادی غیر امامی به روایت از اسماء بنت عمیس استدلال می‌کند. بر اساس این خبر واقعه در منطقه خیبر اتفاق افتاد. پیامبر (ص) بعد از نماز ظهر، علی (ع) را برای برآوردن برخی نیازهایش فرستاد و بعد از بازگشت نزد آن حضرت، بر ایشان وحی نازل شد درحالی که سرش به دامن علی (ع) بود تا خورشید غروب کرد. وقتی پیامبر (ص) متوجه شد علی (ع) نماز عصر را نخوانده است با درخواست پیامبر (ص) خورشید برگشت تا علی نماز خود را خواند و سپس غروب کرد. (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۳۵۲-۳۵۳؛ نیز برای حدیث اسماء با سند دیگر بنگرید به: مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۲۸-۲۷) در خبری که از اسماء بنت عمیس در جایی دیگر نقل کرده اشاره به مکان نشده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۰۴).

صدوق برای نشان دادن اینکه این واقعه دو بار اتفاق افتاده است؛ روایت دیگری از همین استاد خود در ری فراگرفت که بر اساس آن علی (ع) سرگرم صحبت با استخوان جمجمه پادشاهی بود تا خورشید غروب کرد. بر اساس این خبر خدا با استجاب دعا آن حضرت، هفتاد هزار فرشته را با هفتاد هزار زنجیر آهنی به طرف خورشید فرستاد، فرشتگان زنجیرها را در گردن خورشید انداخته و آن را به رو کشاندند تا با نوری درخشان و صاف برگشت و حضرت نمازش را خواند. در ادامه صدوق بیان می‌کند که این حدیث را حسن بن محمد بن سعید هاشمی از فرات بن ابراهیم کوفی با اسنادش و همان الفاظ برایش نقل کرده است (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۳۵۱). در اسناد این خبر افرادی مثل جعفر بن محمد فزاری و احمد بن نوح قرار دارند که در رجال تضعیف شده‌اند و نیز فرات بن ابراهیم که ذکری از او در منابع متقدم رجالی نیست. محتوای شگفت‌انگیز این روایت که با خرق عادت همراه است و با حضور ملائکه رنگ ماورایی به خود گرفت، ابهاماتی دارد.

اصل وقوع رد الشمس به جهت نقل‌های فراوان در منابع فریقین، مورد پذیرش قرار گرفته (نک:

مظفر نجفی، ۱۴۲۲ ق، ج ۶: ۲۰۷) و آثاری نیز در این باره نگارش شده است. برخی پژوهش‌ها نیز به خاطر دلایل متعدد از جمله تناقضات محتوایی و ضعف سندی به رد آن پرداخته‌اند (نریمانی زهره، حدیث اندیشه ۱۳۸۱، ش ۳ و ۴؛ نقد سندی و محتوایی روایت رد الشمس لعلی بن ابی طالب (ع)).

در روایتی مناقب محور ابن قطان در سلسله سندی که مکحول حلقه اتصال آن به امیرالمؤمنین (ع) بود، هفتاد منقبت اختصاصی امیرمومنان را از قول خود ایشان بیان کرده‌اند. اولین ایمان آوردنده و مسلمان، حدیث منزلت، خوابیدن در بستر رسول خدا (ص) هنگام هجرت، ازدواج با فاطمه (س)، حدیث انا مدینه العلم و علی بابها، حدیث غدیر، نزول آیه ولایت در مورد آن حضرت و نیز آیه تطهیر از جمله مناقبی هستند که در این خبر آمده‌اند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۸۰-۵۷۲).

ابن قطان در خبری دیگر به نقل از ابو خالد کابلی با استناد به امام سجاد (ع) بر برتری امام علی بر خلفای سه‌گانه با توجه به حدیث منزلت منقول از ابن سعد را نقل کرده است (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۷۴). در خبری دیگر با همین رویکرد که ابن قطان از مجاهد نقل کرده، سخن پیامبر درباره همسانی جدایی از امام علی با دور شدن از پیامبر بیان شده است (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۵۵۳). ابن قطان در نقلی دیگر از سعید بن جبیر از عائشه نقل کرده که رسول خدا خود را سید اولین و آخرین دانست و علی (ع) را سید وصیین برشمرد و او را برادر، وارث و خلیفه بر امت خود و ولایت او را فریضه دانست و سپس در کنار فضایل دیگر او را امام مسلمین و مولای مومنین و امیر آنان بعد از خود دانست (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۵۸۳-۵۸۲).

خبری دیگر که صدوق از طریق ابن قطان نقل کرده «امام علی تقسیم‌کننده بهشت و جهنم» مفهوم شناخته شده در ادبیات شیعی است. صدوق علاوه بر نقل این خبر با اسناد امامی، (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۶۴) با واسطه ابن قطان در خبری از امام صادق (ع) به تبیین چرایی این جایگاه برای امام علی (ع) پرداخته است (صدوق، ۱۳۸۵ ش: ۱۶۳-۱۶۱).

بر اساس خبری دیگر از ابن قطان با اسنادی از مرکز علمی بصره که در آن عبّاد بن صُهَیب حلقه اتصال به امام صادق (ع) بود، بیان شده که کسی با اهل بیت مقایسه نمی‌شود. در این خبر برتری علی (ع) در بین امت، قسیم بهشت و جهنم بودن، صدیق و فاروق این امت، حجت خدا بر آنان از زبان ابوذر نقل شده است (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۷۷).

ابن قطان در گزارشی دیگر به نقل از ابوهریره به یکی از غزوات پرداخته که امام علی (ع) در آن غایب بوده و مدعی شده در این جنگ جبرئیل و میکائیل به دشمن حمله کردند و سهم خویش از غنائم را به امام علی بخشیدند (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۷۲). بر اساس داده‌های تاریخی تنها

غزوه‌ای که آن حضرت غایب بوده تبوک بود؛ همان‌طور که در برخی منابع بعدی اشاره شده که در غزوه تبوک این اتفاق رخ داده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۲۳۹). بر اساس منابع تاریخی در این جنگ درگیری پیش نیامد تا جبرئیل بر لشکر مشرکان حمله کند. ضمن اینکه این جنگ با مشرکان نبوده بلکه با روم مسیحی بوده است. گفتنی است در سند این خبر فرات بن ابراهیم کوفی نیز قرار دارد.

محتوای گزارشی دیگر که صدوق از احمد بن حسن قطان نقل کرده و نام مورخانی مانند ابومخنف، هشام بن محمد کلبی و نیز محمد بن زکریای بصری در اسناد آن دیده می‌شود، سخنی بین حسن بن علی (ع) و ولید بن عقبه است. در این گفتگو علت دشنام دادن ولید به امام علی، اجرای حد به خاطر شراب‌خواری و نیز قتل پدرش در جنگ بدر توسط آن حضرت دانسته شد و اینکه خدا، علی (ع) را مؤمن و ولید را فاسق نامید (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۴۹۰). این خبر بخشی از یک مفاخره طولانی است که ابن ابی الحدید از کتاب المفاخرات زیر بن بکار نقل کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۶: ۲۹۴-۲۸۵).

کنیه ابو تراب و عنوان «انزع البطين»

از کنیه‌هایی که در منابع فریقین برای علی (ع) ذکر شده «ابوتراب» است که بیشتر کارکرد فضایی برای حضرت داشته است. ابوتراب از محبوب‌ترین عناوین برای امام علی (ع) بود (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۱۱۶-۱۱۵). این کنیه را پیامبر (ص) به او داده بود و امام به علاقه خود به این کنیه تصریح کرده است (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۸۹). برای این نام‌گذاری وجوه مختلفی ذکر شده است. صدوق در این باره چهار گزارش آورده که سه مورد آن از احمد بن حسن قطان است و یک مورد را حسین بن یحیی بن ضریس آورده و اسناد تمامی آن‌ها غیر امامی است. دو خبر حاکی از ایجاد کدورت بین علی (ع) و فاطمه (س) و اصلاح پیامبر (ص) بین این دو نفر بود که شیخ صدوق به آن اعتماد نداشت و معتقد بود بین آن دو نزاعی واقع نمی‌شد که نیاز به اصلاح پیامبر باشد. البته در منابع تاریخی متقدم اهل سنت نیز به این وجه نام‌گذاری اشاره شده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۶۰۰؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۴۰۹). باور صدوق و رویکرد دلایلی در خبری بود که در آن رسول خدا (ص)، علی (ع) را از آن جهت که صاحب زمین، حجت خدا بر اهل آن و عامل بقای زمین و سکون آن است، ابو تراب نامید (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۵۷-۱۵۵). این خبر با اندیشه‌های صدوق سازگاری داشت و مورد تأیید وی قرار گرفت. نشانه رویکرد تاریخی کلامی صدوق را در این بحث می‌توان دید که وی ضمن رد اختلاف در خانه علی (ع)، آن حضرت را سید اوصیاء دانسته و گزارشی

را قبول کرد که حول محور امامت بود و وجود آن حضرت را مایه آرامش و سکون زمین دانست. صدوق این خبر را با اسنادی از عالمان ری و بغداد دریافت کرد (صدوق، ۱۳۸۵ش: ج ۱: ۱۲۳ و ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۲۰۵ و ج ۲: ۴۸۵-۴۸۳). نکته‌ای که شیخ صدوق در این زمینه به آن اشاره نکرده است؛ صدور این کتبه در یکی از غزوات بود. در غزوه‌ای علی بن ابی طالب به همراه عمار بن یاسر (د. ۳۷ ق) بر اثر خستگی بر روی خاک‌ها به خواب رفته بودند، رسول خدا (ص) با مشاهده این منظره وی را با نام ابوتراب بیدار کرد (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۹۹-۶۰۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۷-۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۹۰-۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۴۰۸). در منابع متقدم حدیثی اهل سنت نیز به این نام‌گذاری در غزوه ذات العشیره، اشاره کرده‌اند (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۳۰: ۲۵۷-۲۵۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۱۵۴).

به نظر می‌رسد عنوان «انزع البطين» نیز در محافل امامیه چندان مورد توجه نبوده است و خبر آن با سند غیر امامی و راویان ناشناخته در اختیار صدوق قرار گرفته است. در این خبر ابن عباس گوید بعد از پیامبر با فضیلت‌تر از او کسی بر روی ریگ‌ها قدم نگذاشته و او را برادر، پسرعمو، وصی و آن حضرت و خلیفه او بر امت دانست و گفت او برکنار از شرك و سرشار از علم است (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۱۵۹). البته او از راویان ناشناخته منطقه خراسان از قول رسول خدا (ص) نیز چنین موضوعی را نقل کرده است (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۴۷).

عدم استرداد فدک هنگام خلافت علی (ع)

نام ابن قطان در خبری از احمد بن محمد بن سعید همدانی (ابن عقده زیدی) به روایت از علی بن حسن بن علی بن فضال (فطحی مذهب) به چشم می‌خورد، در این روایت علی بن فضال از امام رضا (ع) درباره عدم استرداد فدک در زمان خلافت پرسیدند. حضرت پاسخ دادند که آنان اهل بیته نیستند که حقوق خود را از ظالمان بگیرند، امیرالمؤمنین (ع) و جانشینان وی اولیاء مومنین هستند، برای مومنین حکم کرده و حقوقشان را از ظالمان می‌گیرند ولی برای خودشان نمی‌گیرند (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۱۵۵).

اخبار مرتبط با حسین بن علی (ع)

شیخ صدوق در بحث از استمرار امامت در اولاد امام حسین (ع) در کنار روایات امامیه به سراغ روایات استادش ابن قطان در ری رفت. این خبر بیانگر گفتگوی ربیع بن عبدالله و عبدالله بن حسن درباره امامت بود که به اعتقاد عبدالله با توجه به همسان بودن فضل حسنین و نیز افضل بودن حسن (ع) به خاطر بزرگ بودن، امامت در بین فرزندان هر دوی آنان جریان دارد و اما ربیع آن را تنها در

فرزندان حسین (ع) می‌دانست. استدلال ربیع بر این استوار بود که خداوند با وجود افضلیت موسی نسبت به هارون، نبوت و خلافت را در فرزندان هارون قرار داد و همین‌طور امامت را در فرزندان حسین (ع) قرار داد؛ بنابراین در امر موسی و هارون هر جوابی باشد، جواب امر حسن و حسین است و بحث تمام شد. بعد از این واقعه وقتی ربیع خدمت امام صادق (ع) رسید، آن حضرت او را به خاطر این گفتگو تحسین کرد (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۲۱۰-۲۰۹). خبری دیگر در بخشی از سند با روایت قبلی اشتراک دارد و به روایت عبدالرحمن بن کثیر هاشمی از امام صادق (ع) است. طبق این خبر جبرئیل به پیامبر (ص) هنگام ولادت حسین (ع)، کشته شدن او توسط امت را خبر داد و گفت که امامت، وراثت و خزانه در او و فرزندان او خواهد بود. بخش‌هایی از این گزارش ماورایی و ناسازگار با منابع تاریخی و روایی دیگر است. شش ماه مدت حمل فاطمه (س) نسبت به فرزندش حسین (ع)، باقی نماندن هیچ مولود شش ماه به غیر از آن حضرت و عیسی ابن مریم، کفالت وی توسط ام سلمه، رشد و رویدن گوشت آن حضرت از مکیدن زبان رسول خدا (ص) و اینکه وی شیر کسی حتی مادرش را هرگز نخورد. در پایان خبر آیه پانزده سوره احقاف ذکر شده که در آخرش «اصح لی فی ذریتی» دارد و آمده اگر «اصح لی ذریتی» آمده بوده همه آنان امام می‌شدند ولی این چنین تخصیص خورد (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۲۰۶-۲۰۵).

ابن قطان در خبری دیگر به نقل از هرثمه بن ابی مسلم از پیشگویی علی (ع) در بازگشت از صفین و توقف در کربلا و از محشور شدن قومی از آن که بدون حساب به بهشت وارد می‌شوند، خبر داد. چون حسین (ع) به کربلا آمد هرثمه در لشکر اعزامی عبیدالله بن زیاد بود و با دیدن این منزل به یاد سخن امیرالمؤمنین افتاد و پیش امام حسین (ع) رفت و بعد از سلام، آنچه از پدرش شنیده بود برای آن حضرت نقل کرد. او به خاطر ترس از عبیدالله نسبت به فرزندانش پیش امام نماند و امام فرمود به جایی رود که کشته شدن آنان و صدایشان را نشود و اگر کسی فریاد آنان را بشنود و یاری نکند خداوند او را با صورت در جهنم خواهد افکند (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۱۳۷-۱۳۶). این خبر با اندک اختلافی در وقعه الصفین با اسناد خودش از هرثمه نقل شده است (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۰).

بر اساس خبری دیگر، فردی اهل عراق از ابن عمر از خون پشه پرسید. ابن عمر با ناراحتی پاسخ داد: این فرد از خون پشه سؤال می‌کند درحالی که پسر رسول خدا (ص) را کشتند و من از رسول خدا (ص) شنیدم حسن و حسین ریحانه من هستند (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ۱۴۴-۱۴۳). این حدیث در آثار متقدم اهل سنت آمده است (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۹: ۲۱۸-۲۱۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۹: ۴۸۸) در سنن نسائی نیز آمده که فرد عراقی از خون پشه در لباس برای نماز خواندن پرسید (نسائی،

بی‌تا، ج: ۵: ۱۵۱) و بر اساس نقل بلاذری از اصابت خون پشه به محرم (بلاذری، ۱۴۱۷، ج: ۳: ۲۲۷) سوال کرد و ابن عمر چنین جواب داد.

در نقلی دیگر از ابن قطن از زید بن علی ادعا شده کسی که به زیارت قبر حسین (ع)، عارفا بحقه، بیاید خداوند گناهان گذشته و آینده وی را می‌بخشد (صدوق، ۱۴۰۰، ج: ۲۳۷). چنین خبری با اسناد امامی متصل به معصوم نیز نقل شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج: ۱۳۸-۱۳۹). خبری دیگر از ابن قطن به نقل از حذیفه بن یمان به روایت از رسول خدا (ص) حاکی از آن است که حسین (ع) در بهشت و دوستدار وی در بهشت و دوستدار دوستش در بهشت خواهد بود (صدوق، ۱۴۰۰، ج: ۵۹۷-۵۹۶).



نتیجه

بررسی خبرهایی که صدوق با طریق ابن قطن نقل کرده، نشان دهنده همگرایی این روایت‌ها با باورهای اعتقادی صدوق و امامیه است. بخشی از خبرهای نقل شده از این راوی در زمینه کلام و اخلاق است، هرچند برخی از گزارش‌های وی رنگ و بویی تاریخی دارد. داده‌های تاریخی ارایه شده در آثار نقل شده از ابن قطن بیشتر خاستگاه کلامی داشته و با برخی از منابع متقدم تاریخی و روایی سازگاری ندارد. صدوق بدون توجه به وجود افراد ناشناخته و گاه ضعیف در سلسله سند این روایت‌ها تنها با مشاهده همخوانی با باورهای کلامی خود به نقل آن‌ها پرداخته است.

در برخی موارد اسناد، در کنار رسول خدا (ص) و علی (ع) به برخی از امامان دیگر شیعه نظیر امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) می‌رسد و راویان شیعی مانند اصبغ بن نباته، جابر بن یزید جعفی و در طبقه‌های بعدی نظیر ابن عقده و محمد بن زکریای غلابی حضور دارند. در بخش محتوا

نیز مواردی نظیر عصمت انبیا و حجت الهی، اخباری در تاریخ رسول خدا (ص)، روایات اثنی عشر خلیفه که در اثبات امامت دوازده امام یاری رسان بود، نقل شده است. همچنین اخبار فضایل در مورد معصومان به ویژه در مورد امام علی (ع) که بعضا با مطالب ماورایی مانند رد الشمس، نازل شدن ستاره به حجره آن حضرت و... همراه است و نیز اخباری در استمرار امامت در فرزندان امام حسین (ع) که با باورهای امامیه همراه بود از محتوای اخبار احمد بن حسن قطان است.



منابع

قرآن

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۳۰ق)، طبقات اعلام الشيعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، لبنان- بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق، محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن شاذان، محمد بن احمد، (۱۴۰۷ق)، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، قم: مدرسه الامام المهدي (عج).
۶. ابن شهر آشوب، محمد، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انتشارات علامه.

٧. ابن طاووس، علی بن موسی، (١٤١٣ق)، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، قم: دارالکتاب.
٨. ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، (١٤١٢ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق، علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
٩. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (١٣٥٦ش)، کامل الزیارات، محقق، عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
١٠. ابن هشام، عبدالمملک، (بی تا)، السیره النبویه، تحقیق، مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شبلی، بیروت، دارالمعرفه.
١١. بخاری، محمد بن اسماعیل، (١٤١٠ق)، صحیح البخاری، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة - مصر - قاهره، چاپ دوم.
١٢. بلاذری، أحمد بن یحیی، (١٤١٧ق)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
١٣. ترمذی، محمد بن عیسی، (١٤١٩ق)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره: دار الحديث.
١٤. جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز، (بی تا)، السقیفة و فذک، محقق، محمدهادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحديثه.
١٥. حسکاني، عبید الله بن عبد الله، (١٤١١ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
١٦. خویی، ابوالقاسم، (١٤١٠ق)، معجم رجال الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
١٧. راوندی، قطب الدین، (١٤٠٩ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مدرسه امام مهدی.
١٨. زینلی، غلامحسین، (١٣٩٢ش)، دوازده جانشین، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
١٩. سلیم بن قیس هلالی، (١٤٠٥ق) کتاب سلیم، قم: الهادی.
٢٠. سید مرتضی، علی بن حسین، (١٢٥٠ق)، تنزیه الانبیاء، قم: الشریف الرضی.
٢١. شریفی، علی و مجتبی محمدی و فرزاد دهقانی، (١٣٩٥)، «تحلیل انتقادی روایات نزول ستاره بر خانه امام علی (ع)»، مجله مطالعات فهم حدیث، ش ٤، ص ١٢٣-١٠١.
٢٢. شوشتری، محمدتقی، (١٤١٠ق)، قاموس الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
٢٣. صدوق، محمد بن علی، (١٣٧٦ش)، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ پنجم.
٢٤. _____، (١٣٩٨ق)، التوحید، محقق، هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
٢٥. _____، (١٤٠٦ق)، ثواب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم.
٢٦. _____، (١٣٦٢ش)، خصال، محقق، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
٢٧. _____، (١٣٨٥ش)، فضائل الاشرع الثلاثة، محقق، غلامرضا عرفانیان، قم: داوری.
٢٨. _____، (١٣٨٥ش)، علل الشرايع، قم: داوری.

۲۹. _____، (۱۳۷۸ ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان.
۳۰. _____، (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمه، محقق، علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
۳۱. _____، (۱۴۰۳ ق)، معانی الاخبار، محقق، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۲. _____، (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۳. صفار، محمد بن حسن [منسوب]، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات، محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.
۳۴. صفری فروشانی، نعمت الله، (۱۳۸۶)، «بررسی دو اثر تاریخ نگاری شیخ صدوق (ره)»، مجله تاریخ پژوهان (۱۰) ۲۰۷-۱۶۶.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق) الغیبه، محقق، عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۳۷. _____، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الاحکام، محقق، حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۸. _____، (۱۴۲۰ ق)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، قم: ستاره.
۳۹. فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات، محقق، محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامیه.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. مامقانی، عبدالله، (۱۴۳۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، محقق، محی الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۳. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم، قاهره: دار الحدیث.
۴۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۵. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ ق)، رجال، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴۶. نسائی، احمد بن علی، (بی تا)، المجتبى من السنن (سنن نسائی)، ریاض-عربستان، اردن-عمان: بیت الافکار الدولیه.
۴۷. نصر بن مزاحم منفردی، (۱۳۸۲)، وقعه صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربیة الحدیثة، چاپ دوم، افسست قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی (۱۴۰۴ ق).
۴۸. نعمان بن محمد تمیمی مغربی، (۱۴۰۹ ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الأطهار، محقق،

- محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، محقق، علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۵۰. نمازی، علی، (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران: فرزند مؤلف.
۵۱. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق) کتاب سلیم، محقق، مصحح: محمد انصاری زنجانی، قم: الهادی.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.

